

روزنه

نشست وزرای خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل برگزار شد

رایزنی اروپای نگران بر سر برجام

● **شرق:** ایران، موضوع اصلی گفت‌وگوهای وزرای خارجه اروپایی بود. روز گذشته نشست وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در مقر شورای اتحادیه اروپا در بروکسل برگزار شد. ایران، برجام و تنش‌های بین تهران و واشنگتن در صدر فهرست موضوعات بحث بین دیپلمات‌های اروپایی قرار داشتند.
فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، دوشنبه، پیش از حضور در نشست شورای وزرای خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل گفت: صورت‌جلسه فشرده نشست امروز با محوریت ایران و حفظ توافق هسته‌ای (برجام) است. به گزارش وب‌سایت اتحادیه اروپا، موگرینی در پاسخ به خبرنگاران گفت: فکر می‌کنم نشست امروز، طولانی‌ترین نشست شورای وزیران در پنج سال اخیر باشد و در این نشست تمام اعضای اتحادیه اروپا و شرکای بین‌المللی برای حفظ برجام تلاش خواهند کرد. به گزارش ایرنا، موگرینی در ادامه افزود: ما دستورالعمل‌فشار در اختیار داریم. این نشست را با بررسی موضوع ایران آغاز خواهیم کرد و همه اقدامات را به کار می‌گیریم تا ایران همانند چند هفته یا چند روز پیش بتواند به پایبندی کامل به این توافق‌نامه بازگردد. ژان-ایو لودریان، وزیر امور خارجه فرانسه، بار دیگر با بیان اینکه کاهش تعهدات از سوی ایران یک واکنش بد به یک تصمیم بد بود، گفت: اروپا باید در موضوع ایران با هم متحد باقی بمانند. او اضافه کرد: فرانسه، آلمان و بریتانیا باید به ایران ضمانت داده و این کشور را همراهی کنند.
میشالین روت، وزیر امور اروپایی دولت آلمان که به دلیل مرخصی هایکو ماس، وزیر خارجه، به‌جای او به بروکسل رفته است، تأکید کرد که مقامات اروپایی به دنبال یافتن راهی برای کاهش تنش‌ها در مورد ایران هستند.

ادامه در صفحه ۱۵

آینه

مباحثه‌ی

رمزگشایی از معمای امارات

● **سپاوش فلاح‌پور:** همان‌گونه که انقلاب مردم یمن تهدیدی برای امارات بود، جنگ علیه یمن نیز فرصتی تاریخی برای امارات به وجود آورد، فرصتی که البته با نقش‌آفرینی امارات و هدایت عربستان سعودی توسط این کشور مهیا شد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت سیاست امارات برخلاف عربستان از ابتدای جنگ یمن کاملاً روشن بود و درحالی‌که ریاض به دنبال بازپس‌گیری صنعا بود، ابوظبی از آغاز چشم بر جنوب یمن داشت. براساس این امارات در جنگ یمن، برخلاف متحدان سنتی عربستان (مصر و پاکستان)، به شکل تمام‌قد در کنار سعودی‌ها ایستاده و با تمام ظرفیت‌های خود وارد جنگ شد. این‌گونه بود که امارات کمتر از چهار سال بعد از اخراج از عدن توسط انقلابیون، بار دیگر به این شهر بازگشت، اگرچه این بار نه با تاجران شرکت بنادر دومی؛ بلکه با نیروهای نظامی که سوار بر نفربرها تمامی شهر را به کنترل خود درآوردند. البته ماجرا به اینجا ختم نشد و همان‌طور که در ابتدا یادآور شدیم، جنگ یمن نقطه آغاز ماجراجویی‌های منطقه‌ای امارات بود. کمی بعد، پای اماراتی‌ها به بندر صعب در اترپره نیز باز شد؛ باز هم از طریق عقد قراردادی بلندمدت توسط شرکت بنادر دومی؛ قراردادی که زمینه را برای تأسیس یک پایگاه نظامی اماراتی در سواحل اترپره و کمی بعد، سیطره بر فرودگاه این کشور مهیا کرد. در ادامه سומالی، کمی بعدتر جیبوتی و از همه مهم‌تر، جزیره سقطری در جنوب یمن، جزیره‌ای بسیار بااهمیت که همواره به‌عنوان هدفی استراتژیک برای قدرت‌های جهان، ازجمله شوروی و آمریکا مطرح بوده است.

انتقاد

همه‌علیه‌ترامپ

● **سیدعلی میرفتاح:** درواقع ترامپ اولین سردمدار غربی است که گاهی صریح و گاهی با کنایه امرای عرب را تحقیر می‌کند و تخفیف‌شان می‌دهد. این تحقیر و تخفیف از چشم‌روشنگران و روزنامه‌نگاران عرب، حتی از چشم مردم کوچه و بازار پنهان نیست. از اخباری که می‌بینیم و می‌خوانیم، درمی‌یابیم که رفتار و گفتار غربی‌ها به آنها کار نمی‌آید و رسماً حاکمان خود را بابت این سرفراکندگی سیاسی در برابر ترامپ، تشویر می‌زنند. در عراق هم روشنفکران و روزنامه‌نگاران چشم‌روشنکاران و روزنامه‌نگاران می‌بینند ترامپ بی‌آنکه به همتای عراقی خود قتر دهد، وارد کشورشان می‌شود و بی‌آنکه مقامات عراقی را ببیند، به دیدار سربازان آمریکایی می‌شاید. گویی اربابی هوس کرده به املاک خود سر بزنند. تحمل این رفتار ارباب‌مآبانه و غیردیپلماتیک برای رعایای عراقی، عربستانی و افغانستانی سخت است؛ لذا از رعمای خود دلخو و عصبانی‌اند. همین دلخوری و عصبانیت، از اتفاق باعث شده تا ایران و مقاومت ایرانی‌ها به چشم عرب‌ها و روشنفکران عرب، وسیع‌تر از آن به چشم مردم منطقه بزرگ بیاید و آنها با تمجید و تکریم نام ایران و نام رهبران ایران را بر زبان بیاورند.

ادامه از صفحه ۳

ماه‌های پیش‌رو چیست؟ دو اقدام خردمندانه است؛ یکی اینکه باید فرصت انتخابات اسفند ۹۸ را جدی گرفت. انتخابات در ایران «بهار سیاسی» است. نهاد انتخابات محصول مشارکت و پیروزی مردم ایران در انقلاب اسلامی است. اگر تدروها می‌توانستند نهاد انتخابات را محو کنند، این کار را می‌کردند. بنابراین در ماه‌های پیش‌رو باید به این «نهاد» و «بهار» توجه کرد و مسائل و راه‌حل‌ها را با مردم در میان گذاشت. دوره انتخابات دوره زنده‌شدن حوزه عمومی است. دوم اینکه کار خردمندانه این است که اصلاح‌طلبان باید با هم بحث کنند و به‌طور «اجماعی» درباره نحوه ورود به انتخابات تصمیم بگیرند. کار جمعی، اجماعی و به‌روز درباره انتخابات اسفند ۹۸، کاری خردمندانه است و از الان نمی‌شود پیش‌بینی کرد؛ باید رصد کرد.

❧ **فکر می‌کنید امکان بازگشت سرمایه‌های اجتماعی وجود دارد؟ مهم‌تر از همه اگر بخواهیم تصویری از جامعه کنونی بدهیم، با چه مفاهیم و استعاره‌هایی می‌توان جامعه را تصویر کرد.**
اوهبرد برون‌رفت از وضعیت کنونی که امر سیاسی به‌ندرت در آن اتفاق می‌افتد، چیست؟ در تحلیل وضع موجود موجود جامعه ایران، من با کاربرد این واژه‌ها و مفاهیم تحلیلی مخالفم؛ اینکه جامعه ایران «در حال فروپاشی» است؛ اینکه جامعه ایران در وضعی «عجیب‌وغریب و استثنائی» به سر می‌برد؛ اینکه یک نظام سیاسی لب بام و «پوشالی» است. درحالی‌که ایران مثل بقیه جوامع مدرن، با چالش‌هایی روبه‌رو است که من به سه مورد از آنها اشاره می‌کنم؛ یکی چالش سیاست خارجی است یا اینکه ایران در برابر فشار تحریم همه‌جانبه ترامپ و گروه B قرار گرفته است. به نظر من اگر سیاست خارجی دوره خاتمی ادامه پیدا می‌کرد، ما به اینجا نمی‌رسیدیم. رویکرد اینکه قطع‌نامه‌های سازمان ملل کاغذپاره است و رویکرد تبلیغاتی محو کشورها و خروج رذیلتان و یک‌طرفه ترامپ از برجام، ما را به اینجا رسانده است. برای عبور از بحران، راه‌حل مسئله تأسی به دیپلماسی مبتنی بر منافع ملی از طریق مذاکره است. مشکل دوم، تداوم وضعیت رکود-تورمی در معیشت مردم است. علت بنیادی این وضع آن است که اقتصاد سیاسی ایران مرکانتیلیستی، حکومتی، خصولتی، غیرشفاف و غیرمالیاتی است. محیط کسب‌وکار رانتی و راه مراوده اقتصادی با جهان محدود است. مشکل سوم کشور، دواپراکی است که خود ختنی‌کننده است؛ صداسویسم و سوسیله‌ای در خدمت عرصه عمومی نقد و بررسی خیر عمومی نیست و ابزاری است در خدمت اقلیت. این سه مشکل باعث شده توسعه جامعه ایران کند شود و حل مطالبات مردم روال منظمی نداشته باشد و ما با «جامعه‌ای مطالباتی و جنبشی» روبه‌رو شویم.

❧ **برای اینکه در بحث جای باقی‌ماند، روی دو پاسخ اخیر شما کمی بیشتر تأمل می‌کنم.**

❧ **تردید وجود ندارد که بهزاد نبوی اصلاح‌طلب راستی است و سر باشکاری بر اصول خود،**

سیاست

حرف مخالفان این است؛ اصلاحات بی‌اصلاحات



مهدي کروبي، تالی شرق

می‌کنید که باز ارجاع بیرونی دارد. واقعا چه کسانی در بی‌اعتمادی مردم نقش دارند؟ نقش دولت‌ها و جناح‌های سیاسی در این میان چقدر است؟ مشکلات معیشت مردم را چه کسانی باید رفع‌ورجوع کنند و جناح‌های سیاسی به چه میزان مطالبات مردم را هم در حرف و هم در عمل جدی می‌گیرند و مجلس و مجلس به بخش بزرگی از آن اصلاح‌طلبان هستند، چه کار ویژه‌ای انجام داده است؟

در صحنه سیاسی پیداکردن مقصر کار سختی نیست. افراد و نهادهایی که بیشتر قدرت دارند، بیشتر مسئول و مقصر هستند. به عنوان نمونه مردم به رئیس‌جمهور رای می‌دهند، او به دنبال توافق برجام می‌رود بعد هنوز جوهرش خشک نشده سفارت یک کشور خارجی آتش زده می‌شود و به جای انجام برجام اقتصادی برجام اصلی (خصوصا با اقدام نابخراندانه خروج یک‌طرفه ترامپ از برجام) هم به دست‌انداز می‌افتد. یا مردم به نمایندگان مجلس رای می‌دهند ولی مجلس در جریان خطرترین امور کشور (که این روزها سیاست خارجی باشد) نیست و مصوبات مجلس با مانع روبه‌رو می‌شود. یا مردم به اعضای شورای شهر رای می‌دهند ولی این شورا توانایی ندارد برای خیابان‌های شهر نام‌گذاری کند. اینجا روشن است مسئولیت با چه کسانی است.

ممکن است شما سؤال کنید حالا که کار پیش نمی‌رود پس چرا اصلاح‌طلبان (مثل بهزاد نبوی) مردم را دوباره به شرکت در انتخابات دعوت می‌کنند؟ دو پاسخ دارد؛ یکی اینکه کشور در وضعیت ویژه و منطقه حساس خاورمیانه است. اگر مردم در انتخابات شرکت نکنند و روی همین قدرت انتخابی هم اثر نگذارند، وضع بدتر می‌شود. اگر مردم سال ۷۶ در انتخابات شرکت نمی‌کردند، معلوم نبود بعد از ۱۱ سپتامبر بوش پسر چه غلطی علیه ایران می‌کرد. اگر مردم به روحانی رای نمی‌دادند و روحانی از فرصت اوپاما و توافق برجام استفاده نمی‌کرد، الان همچنان دست ایران زیر ساطور بند هفت شورای امنیت (با حضور فرد نامتعادلی مثل ترامپ) بود. اگر مردم به شورای پنجم رای نمی‌دادند، شهرفروشی دوره

گذشته ادامه و فسادها تداوم می‌یافت. دلیل دیگر اینکه همچنان برای تغییر امور کشور راهی که هم خشونت‌پرهیز باشد و هم ممکن باشد، مثل انتخابات نیست. بعد شما به «اصلاح‌طلبی نستوه» اشاره کردید. ما حداقل دو نوع اصلاح‌طلبی داریم؛ یکی همین اصلاح‌طلبانی هستند که از خلل و فرج موجود استفاده می‌کنند و به‌عنوان اعضای حلقه سوم و چهارم اصلاح‌طلبان در انتخابات شرکت می‌کنند. اینها اصلاح‌طلبانی هستند که صندلی‌هایی را کسب می‌کنند؛ البته صندلی‌هایی که از سوی دولت موازی از قدرت و اثربخشی آنها کاسته شده است. (که گفتم حضور این افراد بهتر از حضور تدروها در این صندلی‌ها است). اما ما اصلاح‌طلبانی داریم که هدف اینها فقط کسب صندلی نیست هدف آنها پیشبرد سازوکار دموکراسی در شرایط تسلط دولت موازی بر مقدرات کشور است. من به اینها می‌گویم اصلاح‌جویان نستوه و دموکراتیک. اینها ممکن است به‌جای صندلی سال‌ها سروکارشان به زندان بیفتد.

برای اینکه شما به اهمیت کار اصلاح‌جویان نستوه پی ببرید، لازم است به این سؤال پاسخ دهیم که علل اصلی که اصلاحات خوب پیش نمی‌رود و مردم راضی نمی‌شوند، چیست؟ در اینجا دو علت ساختاری هست؛ یکی همان که گفتم. سیستم دوباره است و در راه تغییر و اصلاح امور یک بخش در برابر بخش دیگر مقاومت می‌کند. دوم اصلاحات در نظام‌هایی خوب پیش می‌رود که همه مقامات با اصلاحات همراه باشند. اگر همه مقامات با اصلاحات همراهی نکنند، اصلاحات موفق نمی‌شود. حالا ببینید اصلاح‌جویی نستوه این است که به دو مانع مذکور توجه دارد ولی برخلاف تحول‌طلبان برای تغییر اوضاع دنبال انقلاب و تغییر رژیم نمی‌رود. بلکه اولاً همچنان چراغ فعالیت مدنی و دموکراتیک و خشونت‌پرهیز را در جامعه مدنی زنده نگه می‌دارد. ثانیاً از فرصت‌های انتخاباتی استفاده می‌کند که تدروها همه ارکان نهادهای انتخاباتی را تسخیر نکنند و ثالثاً اصلاح‌جویان مدافع مطالبات اقشار اجتماعی بی‌صدا در جامعه هستند و با ایستادگی مدنی امیدوارند روزی به این مانع‌تراشی پایان داده شود. بنابراین با توجه به آنچه اشاره شد، به تعبیری می‌توان گفت صحنه سیاسی کشور چالشی بین دو نیروی محوری است؛ یکی نیروی تندرو و یکی هم همین نیروی اصلاح‌جویی است، نیرویی که در کشور چه در دولت و چه در جامعه مدنی از «اصلاحات دائمی» دفاع می‌کند و بزنگاه بحث هم این است که تندروها حرف‌شان این است که اصلاحات بی‌اصلاحات؛ و ابایی هم ندارند که نیروهای اصلاح‌جو تحول‌طلب شوند ولی اصلاح‌جویان می‌گویند ما به راه انقلاب نمی‌رویم و بدون تنش در برابر تدروها همچنان بر راه تغییر خشونت‌پرهیزانه و اصلاحی اصرار داریم، اگرچه این مسیر در دوره‌ای که ایران با بحران ترامپ روبه‌روست، از لحاظ سیاسی زیاد رونق نداشته باشد ولی راه نجات کشور همچنان پیشبرد و پذیرش اصلاحات است.

گذر

شکاف در فراکسیون امید بر سر تذکری به وزیر دادگستری

● **شرق:** شکاف در فراکسیون امید، این بار در پی تذکر به وزیر دادگستری درباره پرونده محمدرضا خاتمی اتفاق افتاد. یک منبع آگاه که می‌خواست نامش فاش نشود گفت محمدرضا تابش، نایب‌رئیس فراکسیون امید، روز یکشنبه تذکری خطاب به وزیر دادگستری درباره پرونده محمدرضا خاتمی نوشت؛ یعنی درست زوری که نماینده‌ها بعد از تعطیلات به بهارستان بازگشتند. بعد از نوشته‌شدن تذکر و درگرفتن بحث درباره آن، تابش به‌دنبال امضا بود؛ اما رئیس فراکسیون امید، به‌دلیل فراکسیونی‌نبودن تذکر، با آن مخالفت کرد. گویا وی تأکید داشته که پیش از آماده‌شدن تذکر باید موضوع در هیئت‌رئیسه فراکسیون امید مطرح می‌شد.

بعد از بروز این اختلاف برخی از امیدی‌های نزدیک به رئیس از امضای تذکر سر باز می‌زنند. در این بین اظهارنظرهایی مبنی بر تعدیل متن تذکر و تغییر عنوان آن مطرح می‌شود که عده دیگری از اعضا آن را نمی‌پذیرند. آنها همچنان بر همان تذکر اصلی و موضع خود پافشاری می‌کنند، طبق شنیده‌ها در متن تذکر به وجاهت سیاسی محمدرضا خاتمی و مسئولیت‌های او اشاره و تأکید شده که در دادگاه او به این موارد توجه نشده است. موارد دیگری هم در این تذکر مطرح شده. از سوی دیگر گویا در تذکر از وزیر دادگستری خواسته شده به رای دادگاه تجدیدنظر توجه بیشتری کند، چراکه محمدرضا خاتمی در دادگاه بدوی به دو سال حبس محکوم شده است.

روز گذشته علی مطهری با تأیید جمع‌آوری امضا برای این تذکر، به «ایرانه گفت» «برخی نمایندگان درباره نحوه رسیدگی به پرونده خاتمی در حال جمع‌آوری امضا برای نامه‌ای اعتراضی خطاب به وزیر دادگستری هستند. اگر بنا بود ادعای متهم بررسی نشود و دادگاه صرفاً به نظر شورای نگهبان استناد کند، به چه علتی دادگاه تشکیل شد؟».

مطهری افزود: «دادگاه می‌گوید ملاک ما نظر شورای نگهبان است و تنها راه تغییر این دیدگاه دادگاه تجدیدنظر است. صحبت ما این است که اگر بنا بود ادعای ایشان بررسی نشود و دادگاه صرفاً به نظر شورای‌نگهبان استناد کند، به چه علت دادگاه تشکیل شد؟». مطهری ادامه داد: بهتر است به‌جای تشکیل دادگاه حکم کلی مشخص کنند تا هر فردی قائل به تقلب در انتخابات سال ۸۸ شد، به دو سال زندان محکوم است، چراکه در عمل این نحوه برگزاری دادگاه این پیام را به جامعه منتقل کرده است.

محمدرضا خاتمی از چهره‌های شاخص جریان اصلاح‌طلبی، پاییز سال گذشته در گفت‌وگویی در یک برنامه اینترنتی از تخلف در جریان انتخابات ۱۳۸۸ صحبت کرد. او گفت که در این انتخابات سرنوشت حدود هشت میلیون رای مشخص نیست، به گفته مطهری بعد از آن گفت‌وگو سازمان اطلاعات سپاه از خاتمی شکایت کرد. درحالی‌که مطهری گفته بود «چه ربطی به اینها دارد؟» به‌رحال پای محمدرضا خاتمی به دادگاه باز شد و او بعد از چند جلسه به دو سال حبس محکوم شد.

قرار بود دادگاه علنی باشد، اما حتی متن دفاعیات او نیز اجازه انتشار نیافت. خاتمی بعد از ابلاغ حکم محکومیت که پیش از ابلاغ به او، خبرگزاری «فارس» آن را منتشر کرده بود، متن دفاعیات خود را منتشر کرد که مورد توجه فعالان سیاسی قرار گرفت. در بخشی از این دفاعیات به گزارش تفصیلی شورای نگهبان درباره انتخابات سال ۸۸ استناد شده بود. عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، در واکنش به انتشار این دفاعیات گفت: ضرورتی وجود ندارد تا امثال من بخواهند دراین‌باره شهادت بدهند، زیرا ۱۰ سال پیش شهادت‌ها را داده‌ایم و مدعی باید مدارک متفق و محکمه‌پسند داشته باشد و صرف بیان ادعا کافی نیست و این ادعا، مضحک و کذب است و ارزش پاسخ‌گویی ندارد و به همین علت شکایت و تعقیب هم نکردیم.

روز گذشته در مجلس اختلاف اعضای فراکسیون امید برای تذکر در این زمینه به وزیر دادگستری ادامه داشت. اختلاف‌هایی که به گفته برخی از اعضا بین محافظه‌کارهای فراکسیون و دیگر اعضا زیاد است. به گفته منبع آگاهی که می‌خواست نامش فاش نشود، رئیس فراکسیون تذکر را امضا نکرده است، چراکه آن را فراکسیونی نمی‌داند. طبق شنیده‌ها ۵۰ امضا پای این نامه ثبت شده اما اعضایی که تذکر را آماده کردند، امیدوار بودند این تذکر به حداقل ۶۰ امضا برسد. حالا نگرانی این امیدی‌ها از تحویل تذکر با تعداد امضاهای کم است. در این شرایط «خبرآنلاین» از توقف ارسال نامه نوشته است.

به گزارش «خبرآنلاین» البته اختلاف‌نظر‌ها فقط به عنوان محدود نمی‌شود، بلکه برخی هم که گفته می‌شد از تأیید صلاحیت‌ها برای مجلس یازدهم نگران هستند، با کلیت نامه مخالف بودند.

ادامه از صفحه ۵

رصد در آمد پزشکان

❧ **نظارت بر سیستم و سامانه‌ای که فرمودید، چطور انجام خواهد شد؟**
این اتفاق با کمک و نظارت نظام بانکی خواهد افتاد. بانک مرکزی و شبکه شایرک در اینجا وارد می‌شوند و همان‌طور که گفتم، همکاری خواهند کرد. این کنترل‌ها از یک سو سیستماتیک بوده و از سوی دیگر نهادهای نظارتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان دامپزشکی کشور و سازمان نظام پزشکی و سازمان دامپزشکی کشور باید مشارکت فعالانه‌ای در امر بازرسی‌های میدانی داشته باشند.

❧ **آیا همکاری از سوی سایر بخش‌ها برای راه‌اندازی این سامانه به‌خوبی انجام می‌شود؟**
بله؛ از اینجا به بعد هم امیدواریم این اتفاق بیفتد.

❧ **دستگاه‌هایی مثل وزارت بهداشت یا سازمان بازرسی کل کشور که به‌عنوان نهادهای ناظر مسئولیت بیشتری در این راه داشتند، چگونه عمل کردند؟**
مدیران ارشد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز دنبال پیاده‌سازی این سامانه هستند. وقتی چنین سیستم‌هایی در کشور پیاده می‌شود، کارکردهای متفاوتی خواهد داشت و هر دستگاه و شخصی از منظر خود به این موضوع نگاه می‌کند. ما امیدواریم وزارت بهداشت و درمان در بحث نظارتی و فرهنگ‌سازی، کمک کند که بتوانیم این طرح را با موفقیت اجرا کنیم. دستگاه‌های نظارتی همواره حضور داشته و کمک کرده‌اند؛ مثلاً در همین جلسه اخیر که با سازمان نظام پزشکی و نظام دامپزشکی داشتیم، نماینده سازمان بازرسی کل کشور در جلسه حضور یافت و از پیاده‌سازی و اجرای سامانه پشتیبانی کرد. ما همواره حمایت دستگاه‌های نظارتی را از سازمان مالیاتی داشته‌ایم. این طرح، طرحی نیست که برای یک سال آن را اجرا کنیم؛ وقتی پزشکان در قانون بودجه ۹۸ فراخوان شدند، به این مفهوم است که از ۹۸ به بعد هم مکلف به استفاده از پایانه فروشگاهی نصب‌شده هستند و این کار بلندمدت و ادامه‌دار خواهد بود و معطوف به یک سال نیست. بنابراین همه دستگاه‌های اجرایی مرتبط با این امر و سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد و مراجع نظارتی و به‌طورکلی حاکمیت، برای پیاده‌سازی و اجرای چنین سامانه‌ای ضمن پشتیبانی کامل از اجرای قانون باید در حدود وظایف و اختیارات خود به سازمان امور مالیاتی کمک کنند.

درنظرتگرفتن طلب وصول‌نشده پزشکان از بیمه‌هاست. آیا به‌راستی آنان باید بر درآمدی مالیات دهند که وجود ندارد؟

طبق اصول حسابرسی تجاری و مالیاتی، اندازه‌گیری و شناسایی درآمد به روش تعهدی است؛ یعنی اساس در حسابداری غیردولتی، اصل تعهدی حاکم است. در اصل تعهدی، بحث نقدی دریافت‌کردن یا دریافت‌نگردن، تعیین درآمد نمی‌کند؛ مثلاً بنده با شما کار تجاری دارم و کالایی را به شما می‌فروشم، ممکن است شرط ما این باشد که من پول آن را سال دیگر از شما بگیرم، اما چون امسال فروش تحقق یافته و من کالا یا خدمتی را به شما تحویل دادم، باید آن را به‌عنوان درآمد شناسایی کنم. اینکه جامعه پزشکی می‌گوید ما این درآمد را هنوز دریافت نکرده‌ایم درست است، اما چون اصل تعهدی حاکم است، موظف هستند درآمد خدمتی را که به بیمار می‌دهند، شناسایی کنند. اگر احیاناً بیمه در پرداخت وجوه به پزشکان قصوری کرده یا آن عدم پرداختی داشته است، بخشی که پرداخت نشده به‌عنوان هزینه آن دوره شناسایی می‌شود؛ ولی اینکه بگویند پول را از بیمه دریافت نکرده‌اند، آن هم در حالی که این پول درصد چندان زیادی از سهم درآمدی پزشکان را شامل نمی‌شود، دلیل موجهی نیست.

❧ **یکی از اعضای کمیسیون برنامه‌وبودجه چندی پیش اشاره کرد برخی پزشکان برای دورزدن مالیات دستگاه‌های پوز را به نام فرزندان یا منشی خود می‌گرفتند، اما تراکنش‌های مشکوک آن سرانجام باعث پیگیری سازمان امور مالیاتی شد؛ برای رفع این مشکل چه اقداماتی انجام شد؟**

اگر پیاده‌سازی سیستم با تأخیر مواجه شد، به دلیل این دست از مشکلات بود. الان در این روش هر دستگاه کارتخوانی که در هر مطب پزشکی نصب می‌شود، متصل به حساب ارائه‌کنندگان خدمات درمانی یعنی پزشک، پیراپزشک و… خواهد بود. حتماً حساب متعلق به خودش خواهد بود در غیر این صورت دستگاه کارتخوان کار نخواهد کرد و به این مفهوم است که آن آقا یا خانم پزشکی یا آن مرکز درمانی، به تکلیف خود عمل نکرده است. بنابراین از این پس دستگاه کارتخوانی در مطب‌ها کار خواهند کرد که متعلق به صاحب مطب بوده و پشت آن حساب بانکی متعلق به صاحب مرکز پزشکی یا مطب باشد. اساساً دیگر انتقال پوز از مغازه خواربارفروشی به مطب دکتر امکان‌پذیر نیست و این امر را دریافت‌کننده خدمات درمانی نیز می‌تواند مشاهده و کنترل کند.

❧ **یکی از تعریض‌هایی که پزشکان مطرح می‌کنند این است که برای به‌دست‌آوردن سود لازم است که میزان مخارج پزشکان از درآمد آنان کم شود، درحالی‌که مخارج آنان قابل مستندسازی نیست چون اصناف یا فاکتور رسمی نمی‌دهند یا کلاً اقتصادی ندارند، درنتیجه هزینه‌های پزشکان مورد قبول سازمان مالیات واقع نشده و درآمدشان به طور کاذب زیاد نشان داده می‌شود، پس مالیاتشان بالاتر می‌رود؛ برای رفع این مشکل چه باید کرد؟**

اکنون سال‌هاست در سازمان امور مالیاتی مطابق با قانون، الزاماتی وضع شده است؛ ازجمله اینکه برای انجام معاملات فقط باید از صورت‌حساب‌های رسمی استفاده شود. اینجاست که خریدار وقتی برای خرید کالایی مراجعه می‌کند موظف است فقط صورت‌حساب رسمی دریافت کند، ضمن اینکه فروشنده هم موظف است صورت‌حساب رسمی بدهد، زیرا هنوز شرایط کاغذی است و اگر هر کدام از طرفین معامله به تکلیف‌شان عمل نکنند، مشمول تبعات قانونی می‌شوند. البته برای پیاده‌سازی سامانه فروش و صورت‌حساب الکترونیکی که در قانون آمده، نیاز به تغییرات و اصلاحاتی است و اگر جاری یا حداکثر ماه آینده به قانون تبدیل و برای اجرا به دولت ابلاغ خواهد شد. بر اساس این قانون سازمان امور مالیاتی کشور موظف شده است در ۱۵ ماه از تاریخ ابلاغ، قانون سامانه‌ای را در کشور فعال کند که تمامی صورت‌حساب‌های فروش کالا و خدمات به صورت الکترونیکی در بستر این سامانه صادر خواهد شد و سه ماه پس از راه‌اندازی سامانه، صورت‌حساب خارج از سامانه اصلاً معنا و مفهومی نخواهد داشت و در مراجع مالیاتی قابل استناد نخواهد بود. این یک الزام قانونی و حقوقی است که تبعیت از آن امتیازات متعددی (به متن لایحه مراجعه شود) برای مؤدیان مالیاتی و مصرف‌کننده نهایی دارد. پس بحث‌هایی مثل این موارد که کسی صورت‌حساب نمی‌دهد یا پزشکان معترض‌اند که نمی‌توانند صورت‌حساب مستند جمع کنند و مستندسازی کنند، در آینده نزدیک برطرف خواهد شد. اما درحال حاضر و تا آن زمان، گروه‌های پزشکی موظف‌اند با گرفتن صورت‌حساب‌های معتبر کاغذی اثبات ادعای هزینه خود را داشته باشند.

❧ **دیگر از مسائلی که پزشکان برای مالیات مطرح می‌کنند**